

## بررسی موانع استراتژی مشترک انرژی (نفت و گاز) ایران با روسیه

عزت اله عزتی

دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

محمدگل افروز<sup>۱</sup>

دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ایران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۴/۰۶/۰۴

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۰۴/۰۱

### چکیده

امروزه ایران برای تحقق استراتژی انرژی در تعامل سازنده خود با روسیه، برای حداکثرسازی قدرت ملی و کاهش تهدیدات امنیتی برنامه‌ریزی می‌کند. در شرایط فعلی، این استراتژی همواره متأثر از عوامل بین‌المللی و تا حد زیادی به نوع نگرش متفاوت ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز وابسته می‌باشد. این نوشتار ضمن بیان جایگاه انرژی ایران و روسیه، تلاش می‌کند تا موانع تاثیرگذار این عرضه را تشریح کند. دیدگاه متفاوت ایران و روسیه به جمهوری‌های مسلمان‌نشین، بنیادگرایی اسلامی، نبود اتصالات جاده‌ای و ریلی و اختلافات قومی و نژادی در آسیای مرکزی و قفقاز از موانع عمده برقرار ارتباط انرژی ایران و روسیه است. از طرفی تهدیدات ناشی از استراتژی بازیگران فرامنطقه‌ای مانند اروپا و ایالات متحده آمریکا در عرصه منابع انرژی و اقتصادی منطقه بر روابط ایران و روسیه در حوزه ژئوپلیتیک انرژی تاثیر می‌گذارد. بنابراین این سوال مطرح خواهد بود که میزان خطرات ناشی از گسترش بی‌ثباتی و ناامنی و تهدیدات سیاسی امنیتی در آسیای مرکزی و قفقاز و بازیگران فرامنطقه‌ای چه تاثیری بر استراتژی انرژی برای ایجاد ارتباط با روسیه خواهد گذاشت؟ این مقاله بر پایه کدهای ژئوپلیتیکی، در استراتژی انرژی به تهدیدات موجود در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی و نیز میزان تاثیرگذاری هر یک از آنها را در روابط ایران با روسیه برای تنظیم یک استراتژی مناسب انرژی می‌پردازد.

**واژگان کلیدی: استراتژی انرژی، ایران و روسیه، بازیگران، آسیای مرکزی و قفقاز**

## - مقدمه

موضوع نفت و گاز در قرن بیست و یکم، یکی از مسائل مهم در سیاست‌گذاری‌های انرژی دنیاست. حوزه جغرافیایی ایران در خاورمیانه، نقش روسیه در اوراسیا و روند تحولات پیچیده انرژی جهان که موجب تعامل بین‌المللی و منطقه‌ای با قدرت‌های بزرگ این عرصه شده است، منجر به بی‌ثباتی استراتژی انرژی ایران با روسیه می‌شود. بی‌شک محور اصلی تنش‌ها و تعارض در عرصه انرژی ایران و روسیه، انتقال انرژی آن در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز است. روسیه از همان زمان مقدمات استقلال جمهوری‌های خود، در این حوزه طرح یک استراتژی نو استعماری به منظور سلطه اقتصادی این کشورها به همراه وابستگی سیاسی آنها، تدارک می‌دید تا با تشکیل اتحادیه کشورهای هم‌سود پوشش حقوقی خوبی برای ضمانت منافع خود پیدا کند. ایران هم با استراتژی تعامل سازنده در برخورد با کشورهای این حوزه برای تبیین مطلوبیت‌های «ائتلاف ایران محور» به ناچار از طریق رقابت‌های منطقه‌ای وارد رقابت‌های جهانی گردید. از سوی دیگر بستر قابل توجه مناسبات اقتصادی، انرژی و تمایل غرب به کاستن وابستگی خود به انرژی منطقه خلیج فارس، چشم‌انداز ژئوپلتیک و ژئواکونومیک جدیدی را برای این منطقه ترسیم نموده است. این مسائل، کشورهای منطقه را برای اتکا بیشتر به یک نیروی غیر روسی ترغیب نمود. اگرچه حضور بازیگران فرامنطقه‌ای در این رقابت برای دستیابی به منابع اقتصادی، ذخایر انرژی و خطوط انتقال انرژی نهفته است، ولی کشورهایمانند ایران و روسیه به همراه، چین، ترکیه و هند خود را در این راه ذینفع می‌دانند. با این حال رقابت اصلی در بازی بزرگ جدید برای دستیابی به منابع انرژی منطقه، بین آمریکا و روسیه است. ولی هیچ‌یک از کشورهای درگیر در بازی به تنهایی و بدون مشارکت دیگران موفق نخواهند شد. این برنامه‌ها بر پایه عملی ساختن برنامه‌های ایران نظیر پر نمودن خلاء ایرانی اسلامی، فرهنگ و تاریخ مشترک، می‌تواند در تعارض با سیاست‌های کلی روسیه در منطقه باشد که خود موجب انحراف استراتژی انرژی ایران در روابط با روسیه برای ایجاد خطوط انتقال انرژی و منابع نفت و گاز به دنیای خارج خواهد بود.

هدف اصلی این پژوهش، تشریح چالش‌های استراتژی انرژی (نفت و گاز) در روابط ایران با روسیه و میزان حضور و تاثیرگذاری نقش بازیگران فرامنطقه‌ای، تلاش برای پاسخ به این پرسش است که کشورهای ایران و روسیه با چه چالش‌هایی در ایجاد استراتژی انرژی برای ارتباط با همدیگر روبرو هستند و چگونه می‌توانند در جهت منافع خود در آینده از این موانع عبور کنند؟ به منظور پاسخ به این سوال، فرضیه زیر ارائه می‌گردد:

- به نظر می‌رسد تهدیدات ژئوپلیتیکی در استراتژی انرژی ایران و روسیه بر اتحاد و ائتلاف آنها در زمینه نفت و گاز تاثیر منفی می‌گذارد. در این میان مهمترین چالش‌هایی پیرامون استراتژی انرژی در ایجاد روابط ایران با روسیه در سه سطح «بازیگران فرامنطقه‌ای»، «چالش‌های منطقه‌ای» و «روابط دو جانبه ایران و روسیه» وجود دارد. در واقع ساختار هر یک از زیر مجموعه چالش‌های بوجود آمده این منطقه، در نظام جهانی امروز، به دیدگاه‌های مختلف بازیگران این عرصه در گذشته بر می‌گردد. اما در شرایط فعلی تاثیر متقابل هر یک از چالش‌ها بر روی یکدیگر انکار شدنی نیست.

در این بررسی از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است که با استفاده از اصول علم جغرافیای سیاسی روابط بین‌الملل و علوم اقتصادی به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی به تحلیل موانع تاثیر گذار روابط ایران و روسیه براساس استراتژی پرداخته می‌شود.

#### - چارچوب نظری

در ادبیات جغرافیای سیاسی منطقه اوراسیا، که ایران و روسیه بخشی از آن می‌باشند، در نظام جهانی به سوی رقابت‌های کلان اقتصادی در حرکت هستند. در نقشه صلح جهان، این منطقه باید از مرحله زیربنای ژئواستراتژیک عبور کرده و به سوی زیربنای ژئواکونومیک پیش برود. بر این اساس ایران و روسیه به دلیل ذخایر انرژی فراوان و جایگاه آن‌ها در این حوزه، با برنامه‌های حداقل ده ساله می‌توانند شریک‌های استراتژیک و اقتصادی خود را انتخاب نمایند (عزتی، ۱۳۸۷: ۲۲۱). اما به دلیل اینکه استراتژی انرژی آن‌ها زیرسایه برخی از برنامه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت قرار دارد، نمی‌تواند شریک استراتژیک خوبی در این زمینه برای همدیگر باشند. بر این اساس برای تحلیل بیشتر موضوع، ابتدا به جایگاه انرژی ایران و روسیه در جهان و سپس در این رابطه به مفاهیمی چون استراتژی انرژی پرداخته می‌گردد.

#### ۱- نگاهی اجمالی جایگاه انرژی ایران و روسیه

تامین انرژی، امروزه یکی از دغدغه فکری تصمیم گیران سیاسی کشورهای جهان است. کشورهای مصرف‌کننده انرژی (نفت و گاز) برای برون رفت از بحران انرژی خود به تعامل و گفتگو با کشورهای عمده دارنده انرژی نیازمند هستند تا در راهبرد تامین انرژی خود دچار بی‌ثباتی نگردند. در این میان بهره‌گیری از منابع بزرگ انرژی ایران و روسیه همواره مورد توجه جدی کشورهای بزرگ مصرف‌کننده و نیز نهادهای غیردولتی قرار گرفته است. در مطالعات انرژی، نگاه به آمار ذخایر و تولید نفت و گاز ایران و روسیه، جایگاه کم نظیر آن‌ها را در جهان نشان می‌دهد. طبق آمار سال ۲۰۰۸ که نشان می‌دهد در پایان سال ۲۰۱۱، کشور ایران با ۱۳۷/۶ میلیارد بشکه ذخیره نفت خام (۱۰/۳ درصد ذخایر جهان) مقام دوم را پس از عربستان را دارد، همچنین این کشور با تولید ۴/۲ میلیون بشکه نفت در روز (۵/۴ درصد تولید جهان) در مقام چهارم تولید نفت خام جهان است. این در حالی است که کشور روسیه با حجم ذخیره ۷۹/۵ میلیارد بشکه نفت خام (۶/۵ درصد ذخایر جهان) در مقام ششم جهان، و با تولید ۸/۵ میلیون بشکه نفت خام در روز (۱۱ درصد تولید جهان) مقام دوم تولید نفت خام جهان را پس از عربستان به خود اختصاص داده است. بر پایه این گزارش، روسیه با حجم ذخایر ۴۶/۶۵ تریلیون متر مکعب گاز طبیعی (۲۵/۲ درصد ذخایر جهان)، و با تولید ۷۹۰/۲ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی (۲۶/۸ درصد تولید جهان) در حجم ذخایر و تولید گاز طبیعی، در جهان مقام اول را دارد. در حالی که ایران با حجم ذخایر ۲۹/۶ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی (۱۵/۸ درصد ذخایر جهان) در مقام دوم پس از روسیه است که با تولید ۱۳۱/۲ میلیارد متر مکعب (۴/۴ درصد تولید جهان) مقام چهارم جهان را به خود اختصاص داده است (رجوع به جدول ۱ و ۲).

واقعیت این است که ایران و روسیه با داشتن ذخایر بزرگ نفت و گاز و تولید آن، با توجه به نزدیکی جغرافیایی می‌توانند به عنوان مکمل یکدیگر فعالیت‌های بسیار مفیدی در زمینه تجارت جهانی انرژی داشته باشند. اگر ذخایر

ثابت شده نفت و گاز کشورهای تولیدکننده را با یکدیگر مقایسه کنیم، از لحاظ مجموع ذخایر ثابت شده نفت و گاز، روسیه و ایران به ترتیب مقام اول و دوم را در سطح جهان دارا هستند. ولی واقعیت رفتار ایران در سطح جهان منعکس کننده موقعیت ایران در برخورداری از این منابع نمی باشد، زیرا ایران با داشتن این موقعیت بی نظیر می‌توانست با ارائه راهبردهای مناسب با روسیه در چهارچوب امنیت انرژی، امنیت مالی خود را به حداکثر برساند تا از طرفی سنگ اندازی کشورهای مصرف‌کننده به ویژه غرب و آمریکا، و از طرفی دیدگاه مختلف ایران و روسیه در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز و همچنین نبود تجارت منطقه‌ای انرژی، در گسترش روابط این دو کشور بر پایه استراتژی انرژی تردید بوجود می‌آورد.

جدول ۱: ذخایر ثابت شده نفت و گاز برخی از کشورها و درصد آنها به کل جهان در پایان سال ۲۰۱۱

کشور	حجم ذخایر نفت (میلیارد بشکه)	درصد ذخایر جهان	حجم ذخایر گاز (تریلیون متر مکعب)	درصد ذخایر جهان
عربستان	۲۶۴/۳ رتبه اول	۱۹/۸	۷/۹۲ رتبه چهارم	۴/۲
ایران	۱۳۷/۶ رتبه دوم	۱۰/۳	۲۹/۶ رتبه دوم	۱۵/۸
عراق	۱۵ رتبه سوم	۸/۶	۳/۱۷ مشخص نیست	۱/۷
کویت	۱۰/۵ رتبه چهارم	۷/۶	۱/۷۸ مشخص نیست	۱
امارات	۹۷/۸ رتبه پنجم	۸/۳	۶/۴۳ رتبه پنجم	۳/۴
روسیه	۷۹/۵ رتبه ششم	۶/۵	۴۴/۶۵ رتبه اول	۲۵/۲
لیبی	۳۶ رتبه هفتم	۳	۱/۵۰ رتبه دوازدهم	۰/۸
قطر	۲۶/۸ مشخص نیست	۲	۲۵/۳۷ رتبه سوم	۱۳/۵
جهان	۱۲۰۸/۲	۱۰۰	۱۷۷/۳۶	۱۰۰

منبع: ۱- سایت <http://www.shana.ir> - ۲ BP statistical Reviv of world Energy, 2012

جدول ۲: میزان تولید نفت و گاز برخی از کشورها و درصد آنها به کل جهان در پایان سال ۲۰۱۱

کشور	حجم تولید نفت (میلیون بشکه در روز)	درصد تولید جهان	حجم تولید گاز (میلیارد متر مکعب در سال)	درصد تولید جهان
عربستان	۹/۷ رتبه اول	۱۲	۷۷/۵ رتبه هفتم	۲/۶
روسیه	۸/۵ رتبه دوم	۱۱	۷۹۰/۲ رتبه اول	۲۶/۸
آمریکا	۷/۵ رتبه سوم	۹/۲	۵۴۶ رتبه دوم	۱۸/۸
ایران	۴/۲ رتبه چهارم	۵/۴	۱۳۱/۲ رتبه چهارم	۴/۴
نروژ	۳/۳ رتبه هفتم	۴/۵	۹۰ رتبه پنجم	۳
کانادا	۱/۷ دقیق نیست	۲/۳	۱۸۳/۷ رتبه سوم	۶/۲

منبع: ۱- سایت <http://www.shana.ir> - ۲ BP statistical Reviv of world Energy, 2012

## ۲- استراتژی انرژی

استراتژی انرژی، در واقع محور سیاست خارجی کشورهای قدرتمند است. هدف آنها نفوذ و تسلط بر کانون استراتژیک انرژی جهان می‌باشد. تلاش برای تسلط بر انرژی (نفت و گاز) اوراسیا و حوزه خلیج فارس موجب کسب ابتکار عمل این کشورها در صحنه جهانی خواهد بود (عزتی، ۱۳۹۱: سایت بلوگفا). براین اساس ایران و روسیه در کانون این قلمرو ژئواکونومیک قرار دارند. اما آنچه که موجب پیدایش استراتژی انرژی شده است، در حقیقت ناشی از تحولی بود که در سال‌های دهه ۶۰ میلادی به وجود آمد. در آن زمان قیمت نفت بالا رفته و اولین کارتل تولیدکننده نفت یعنی اوپک به وجود آمد. در چنین موقعیتی کشورهای غربی احساس کردند که جهان نیاز به

یک استراتژی برای کنترل قیمت انرژی دارد. زیرا در غیر اینصورت امنیت انرژی به خطر می‌افتاد. از آن زمان به بعد، این امر باعث گردید که مفهوم استراتژی انرژی در ادبیات سیاسی جهان پیدا گردد (عزتی، ۱۳۷۹، ۱۹۹-۱۹۵).

#### - یافته‌های تحقیق

براساس بررسی‌های بعمل آمده، در تدوین هر استراتژی در جهان از زیر مجموعه‌های هدف، مکان، زمان و اجرا تبعیت می‌کنند. اما برای استراتژی انرژی و تدوین آن به مکان و هدف بیشتر توجه می‌شود. در این پژوهش، مکان آن تحت تاثیر ذخایر انرژی در خاورمیانه، آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه می‌باشد. در این صحنه بازی، هدف بازیگران (اعم از فرامنطقه‌ای و منطقه‌ای) بر پایه فرمول ژئواکونومیک، تدوین استراتژی مناسبی است که بهای یک بشکه نفت را مساوی با پولی می‌دانند که جهان غرب هزینه می‌کند تا آن را استخراج نماید. بنابراین برآوردها نشان می‌دهد که فعلاً نفت و گاز برای آن‌ها مجانی است. از اینرو تمام تحولاتی که در مناطق ژئواکونومیکی جهان رخ می‌دهد همگی ناشی از استراتژی انرژی و تدوین آن خواهد بود. در این راستا، ایران و روسیه هم بعنوان بزرگترین دارنده ذخایر نفت و گاز، در صورت داشتن یک استراتژی مشترک می‌توانند محور تمام تحولات جدید جهان باشند. اما در این پژوهش با استفاده از برخی گداهای ژئوپلیتیکی، این فرضیه را که آن‌ها در آینده می‌توانند استراتژی مشترک انرژی داشته باشند، رد می‌کند. در ادامه برای اثبات آن، دلایلی در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی آورده می‌شود:

#### ۱- تاثیر جهانی نقش برخی از بازیگران

منابع انرژی در سده بیست و یکم، ابزار مناسبی برای «چانه زنی» است. این منابع برای سال‌ها مهمترین کانون نزاع سیاسی بین‌المللی در اوراسیا بوده و پس از جنگ سرد بیشترین فشار بر خاورمیانه و سرزمین‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی در آسیای مرکزی و قفقاز از سوی قدرت‌های فرامنطقه‌ای برای سلطه بر منابع انرژی واحدهای سیاسی منطقه وارد شده است. در این میان نقش بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا و چین که دامنه رقابت‌های امنیتی و نظامی آن‌ها در حوزه ژئوپلیتیک انرژی فضای راهبردی منطقه را برهم زده، در کنار سایر بازیگران مانند ترکیه، اسرائیل، هند، پاکستان و عربستان که برای گسترش حوزه نفوذ خود برای به حداکثر رسانیدن مطلوبیت اقتصادی و استراتژیک تلاش می‌کنند، در محدود سازی روابط ایران با روسیه بر پایه استراتژی انرژی نقش تاثیر گذار دارند. در این راستا بررسی دیدگاه‌های مختلف هر یک از این بازیگران و نقش آفرینی آن‌ها در منطقه پرداخته می‌شود.

#### ۱-۱- ایالات متحده آمریکا

میدان رقابت امروز قدرت‌های بزرگ به ویژه ایالات متحده در جنگ سرد تازه در آسیای مرکزی، قفقاز و خاورمیانه است. که شامل کنترل بر همه روابط روسیه و برخی از روابط چین با کشورهای باختری هم می‌باشد (یزدانی، ۱۳۸۷:۱۹). در این راستا، براساس تئوری «ژئوپلیتیک رادیکال» شناسایی مستقیم ریشه‌های سیاست خارجی ایالات متحده از منظر چشم‌انداز انتقادی اقتصاد سیاسی بر تعیین اهمیت نسبی عوامل سیاسی و نیروهای اقتصادی توأمأ پس از جنگ جهانی دوم دنبال می‌گردد. از اینرو سیاست خارجی این کشور تا حد زیادی به دنبال ژئواکونومیک منطقی و

۱. radical Geopolitic

از بسیاری جهات نیز دارای منطق ژئوپلیتیکی بوده است. به عنوان مثال، منافع آمریکا در کنترل منابع انرژی ارزان است (منطق ژئواکونومیک)، و حفظ اعتبار ایالات متحده در صورت سرپیچی ایران از هژمونی این کشور در خاورمیانه دارای منطق ژئوپلیتیکی است. در پیشبرد این موضوع مقامات دولت آمریکا برای حفظ اعتبار خود بر تصویب تحریم‌های بیشتر در مقابل ایران در منطقه تاکید می‌ورزند (Mercille and Jones, July 2009, pp. 857-860)

در این منطق انرژی محور اصلی سیاست ایالات متحده در منطقه آسیای مرکزی (و قفقاز) است. این کشور به دنبال اهدافی از جمله کمک به متحدان اروپایی جهت تنوع بخشیدن به صادرات و عرضه منابع طبیعی اعم از نفت و گاز و همچنین خواستار کاهش تسلط روسیه بر انحصار انرژی و انزوای ایران در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز است. علاوه بر این کمک به متحدان خود در این زمینه و مخالفت با ساخت خط لوله حمل و نقل به عنوان انرژی رقیب از طریق ایران (Nichol, October 12, 2011, p. 48) از جمله چالش‌های موجود در روابط ایران و روسیه براساس استراتژی انرژی می‌باشد.

به طور کلی اهداف اصلی آمریکا از اتخاذ سیاست‌های اوراسیایی و خاورمیانه‌ای، برقراری و تحکیم «امنیت انرژی» در منطقه دریای خزر و خلیج فارس برای خروج بی وقفه نفت و گاز به سوی غرب و آمریکا می‌باشد. همچنین این منطقه به دلیل حضور اصلی‌ترین مخالفان آمریکا یعنی ایران، چین و روسیه در سیاست خارجی آمریکا از جایگاه مهمی برخوردار است. بدین ترتیب استراتژی ایالات متحده از جمله تهدیداتی است که در تدوین استراتژی مشترک انرژی ایران با روسیه تاثیر منفی می‌گذارد.

## ۲-۱- اتحادیه اروپا

پس از فروپاشی نظام دو قطبی، استراتژی اقتصادی اتحادیه اروپا در سیاست خارجی از طریق سرمایه گذاری در پروژه‌های نفتی حوزه خزر، جایگزینی مطمئن برای تامین انرژی خود پس از نفت شمال را مهیا می‌کنند. آن‌ها از طریق گسترش نفوذ سیاسی در حوزه خزر، ضمن بهره برداری اقتصادی و تامین انرژی برای آینده، بسترهای مناسبی برای گسترش حوزه نفوذ خود در خاورمیانه (بزرگ‌ترین کانون چالش‌های سیاسی آمریکا) را در قرن بیست و یکم فراهم می‌سازند. در واقع اروپای واحد به دنبال اهداف اقتصادی خود، تلاش می‌کند موقعیتش را در غرب آسیا به عنوان یک قدرت مطرح در مقابل آمریکا تثبیت نماید اصولاً کشورهای اروپایی برای رسیدن به اهداف خود در سال‌های اخیر، راه حل‌های غیر نظامی را در حل مشکلات ترجیح داده و از چند جانبه گرایی مبتنی بر سازمان‌های بین‌المللی حمایت می‌نمایند. برای آن‌ها همواره قدرت نرم (مشوق‌های اقتصادی و مذاکرات دیپلماتیک) بر قدرت سخت آمریکایی (اجبار، تهدید و تهاجم) اولویت دارد (MC Cormick, 2007: p. 6). بر این اساس اروپا به منظور تامین انرژی خود در پی رقابت با روسیه، سعی دارد پس از قطع گاز صادراتی روسیه به اروپا، راه‌های جایگزین و متنوع غیر روسی مانند انتقال انرژی از طریق ایران به ارمنستان و با ترانزیت گاز ترکمنستان به ترکیه و اروپا، از وابستگی خود به انرژی روسیه بکاهد اما روسیه با چنین طرح‌های شدیداً مخالفت می‌کند. لذا به نظر می‌رسد رقابت در جایگزینی ژئوپلیتیک بین اروپا و روسیه موجب ممانعت از همکاری و منافع ژئوپلیتیکی مشترک بین ایران و همسایگان حوزه خزر از جمله روسیه در انرژی گردد.

## ۳-۱- چین

در سیاست خارجی چین، کانون نظری و استراتژیک آن کسب قدرت اقتصادی در دنیا و یا حداقل جایگاه اول در منطقه آسیا است. سیاست چینی‌ها بر مبنای بهره برداری وسیع از امکانات بین‌المللی به منظور متحول کردن خود است. چینی‌ها هنرمندانه دیپلماسی همزیستی مسالمت آمیز و بهره‌برداری جدی از امکانات بین‌المللی را در پیش گرفته‌اند. نکته حائز اهمیت در جایگاه بین‌المللی چین، افزایش تصاعدی نیاز این کشور به انرژی در کنار محدود و ناکافی بودن منابع انرژی داخلی، برای توسعه اقتصادی سریع آن است. این مشکل و تأثیرات منفی آن بر امنیت ملی موجب شده است تا امنیت انرژی و چشم‌انداز آن برای این کشور به امری پر اهمیت و در عین حال نگران‌کننده تبدیل شود. از طرفی، به گفته‌های کمپ همزمان با ظهور این کشور در مقام بازیگر قدرتمند صحنه جهانی و اهمیت نفت و گاز خلیج فارس و دریای خزر در دیپلماسی انرژی آن، شاهد نقش‌های امنیتی چین در خاورمیانه، حوزه خزر و آسیای مرکزی می‌باشیم (کمپ، ج ۱، ۱۳۸۳: ۱۷). نقش فعال چین در خلیج فارس به علت موضوع قسوی‌تر آمریکا در منطقه پس از پایان جنگ سرد به تدریج کم شده اما بلافاصله حوزه منافع حیاتی غرب چین شامل کشورهای آسیای مرکزی و حوزه دریای خزر که منابع انرژی و بازار خوب برای صنایع قدرتمند چین است، توجه آن کشور را جلب نموده است. اگرچه نگرانی حضور رو به گسترش آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر به بهانه دفع طالبان و اسلام‌گرایی افراطی حساسیت چین را نسبت به مسائل امنیت منطقه بیشتر کرده بود (Menon, 2003: p. 198). ولی نزدیکی به روسیه برای همکاری جمعی منطقه‌ای برای تامین امنیت منطقه در سازمانی تحت عنوان «سازمان همکاری شانگهای» این مشکل را برای چین حل می‌کند. علاوه بر این، کشور چین با داشتن مسلمانان اویغور در غرب، برای جلوگیری از بیداری اسلامی به ویژه پس از انقلاب اسلامی ایران و افراط‌گرایی دینی در آسیای مرکزی به این همکاری اهمیت جدی می‌دهد (Radyuhin, 2008). بنابراین چین به همراه نگرانی‌های روسیه، در خصوص جمعیت قابل توجه مسلمانان در مناطق همجوار خود با آسیای مرکزی و جهان اسلام (ایران، افغانستان و پاکستان) (عزتی، ۱۳۸۷: ۷۱) در عضویت ایران اسلامی، به این سازمان تردید دارند. هر چند به نظر می‌رسد چین با توجه به نیاز انرژی منطقه و نامی‌های ایجاد شده توسط آمریکا، در باطن خود خواهان برقراری ارتباط با ایران است، ولی این کشور اولویت را به امنیت داخلی خود در منطقه خودمختار سین کیانگ اویغور می‌دهد که در آنجا اسلام در حال احیاء، در بین مردم بسیار محروم منطقه در سال‌های اخیر گسترش یافته است. در واقع یکی از اهداف سیاست خارجی کشور چین در قبال ایران به نوعی کم کردن گسترش نفوذ اسلام سیاسی توسط ایران در منطقه است. که به تبع این موضوع بر استراتژی انرژی ایران در منطقه و نیز همکاری با روسیه تأثیر منفی می‌گذارد.

## ۴-۱- سایر بازیگران

ترکیه و اسرائیل به عنوان کشورهای همسایه نزدیک و منطقه‌ای جهت ارتقای منافع ملی خود فعال‌اند. آن‌ها می‌خواهند در همسویی با سیاست استراتژیک و اهداف نهایی آمریکا با هدف اتصال کشورهای خاور نزدیک، قفقاز و آسیای مرکزی در یک منطقه جغرافیایی سیاسی، و در رقابت با ایران برای جلوگیری از الگوی حکومتی به اصطلاح بنیادگرایی اسلامی، با تکیه بر منابع مالی اسرائیل و کانون‌های یهودی در سراسر جهان به همراه نفوذ

فرهنگی، سیاسی و تاریخی ترکیه در آسیای مرکزی و قفقاز از استیلاء و نفوذ روسیه در منطقه نیز بکاهند. هند در مقام رقابت با رقیب سرسخت خود پاکستان فعالانه کوشاست. پاکستان با حمایت از بنیادگرایی اسلامی برای هند نگرانی‌هایی در منطقه بوجود می‌آورد. اما هند نیز با برقراری ارتباط با برخی کشورهای منطقه مثل قزاقستان و ازبکستان که از بنیادگرایی متنفرند به مقابله با پاکستان برخاسته است. ولی این دو رقیب حداقل در دو چیز با هم منافع مشترک دارند، یکی ارتباط با اروپا خصوصاً آسیای مرکزی از طریق مسیرهای عبوری و راه آهن ایران و دیگری انتقال انرژی خصوصاً گاز طبیعی با خط لوله ۲۶۰۰ کیلومتری خلیج فارس به شبه قاره هند (کاویانی راد و ویسی، ۱۳۸۴: ۳۱۵) از طریق ایران و گسترش آن در جهت ارتباط با انرژی حوزه خزر و روسیه، که با مخالفت سرسختانه آمریکا با توجه به ادبیات سیاسی ایران همواره در سال‌های اخیر با مشکل روبرو می‌باشد. اما یکی دیگر از بازیگران موثر در منطقه، عربستان است. این کشور به دنبال تامین اهداف سیاسی و اقتصادی خود، مایل است خواسته‌های مذهبی و ایدئولوژیک خود را نیز در منطقه محقق کند (سیمبر، ۱۳۸۵: ۷۹). نقش بازیگری عربستان با توجه به منافع محدود آب نسبت به سایر بازیگران مطرح شده در منطقه کمتر می‌باشد. اما نمی‌توان تاثیرگذاری آن را انکار کرد. بطور کلی می‌توان گفت همه بازیگران دولتی تاثیرگذار در این نوشتار با توجه به دیدگاه‌های متعارض آن‌ها، از عوامل چالش برانگیز ارتباط ایران و روسیه بر پایه استراتژی انرژی می‌باشند.

## ۲- تاثیر از ساختار درون ژئوپلیتیکی منطقه‌ای

با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی و پایان ساختار دو قطبی در دهه پایانی سده بیستم، روسیه با بخش اصلی امپراتوری پیشین شوروی در پی حفظ ثبات و امنیت در مرزهای جنوبی و تامین امنیت شهروندان روس تبار در جمهوری‌های تازه استقلال یافته در آسیای مرکزی و قفقاز و جلوگیری از حضور نیروهای بیگانه در «خارج نزدیک»<sup>۱</sup> خود، می‌کوشد ابتکار عمل را در منطقه به دست گیرد. از طرفی ایران با توجه به مشترکات فرهنگی و تاریخی و دینی خود در اندیشه حضور بیشتر در منطقه و پیگیری منافع خود می‌باشد. این دگرگونی با توجه به دیدگاه‌های متفاوت این دو کشور، چالش میان روسیه و جمهوری اسلامی ایران را که به ظاهر در پی همکاری با یکدیگرند بیشتر می‌کند (امیر احمدیان، ۱۳۸۷: ۸۸). علاوه بر این نگرانی روسیه از بنیادگرایی اسلامی با توجه به جمعیت زیاد مسلمان در آن کشور و اختلافات قومی و نژادی در آسیای مرکزی و قفقاز که دامنه آن به درون مرزهای روسیه کشیده می‌شود به همراه عدم دسترسی به اتصالات جاده‌ای و ریلی بین ایران و روسیه می‌تواند چالش‌های دیگری در روابط دو کشور بر پایه استراتژی انرژی ایجاد کند. چنانکه این چالش‌ها موجب شد هر یک از دو کشور بر سر تعیین خط لوله انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر به بازارهای مصرف در خاک خود اختلاف پیدا کنند و در نهایت راه سوم به پیشنهاد بازیگران فرامنطقه‌ای مانند آمریکا از طریق شرق به غرب با ایجاد خطوط لوله ناباکو در قلمرو ترکیه به دریای مدیترانه رسید. در اینجا به بررسی برخی از این چالش‌ها با توجه به گداهای زیر پرداخته می‌شود:



## ۱-۲- دیدگاه متفاوت ایران و روسیه به جمهوری‌های مسلمان نشین

نگرش مثبت ایرانیان نسبت به کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز و ذهنیت تاریخی ایرانی این ملت‌ها که برای قرن‌ها در حوزه تمدنی ایران قرار داشته و خاطرات و پیوندهای تاریخی و فرهنگی مشترکی که با هم دارند، از ۳۰۰ سال گذشته توسط روس‌ها در راستای سیاست هژمونی طلبی و تداوم سلطه بر مناطق پیرامونی در چارچوب سه سیستم روسیه تزاری، اتحاد جماهیر شوروی و فدراسیون روسیه نادیده گرفته می‌شوند حتی روسیه از دخالت در امور ایران پروا نداشته است (کوزه گر کالجی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). از این رو در طی دو، سه سده اخیر روس‌ها در ایران و حوزه تمدنی ایرانی (آسیای مرکزی و قفقاز) اقداماتی را انجام دادند، که روح و روان ایرانی را آزرده کرده و این امر موجب شد تا ایرانیان همواره نوعی بدبینی، بی‌اعتمادی و ترس و نفرت نسبت به روس‌ها داشته باشند. اما بعد از فروپاشی شوروی سابق و ایجاد جمهوری‌های مسلمان نشین، لئونیداسکلیاروف بیان می‌کرد که ایران و روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز رقیب یکدیگر هستند و روسیه تمایل دارد تا کشورهای این منطقه به صورتی واحد در سیستم اقتصادی کشورهای مشترک المنافع حفظ شوند ولی ایران سعی می‌نمود تا هر چه بیشتر این کشورها را به همکاری‌های منطقه‌ای در چارچوب سازمان اکو و جریان کالان و مواد اولیه شمال به جنوب تشویق کند (اسکلیاروف، ۱۳۷۴: ۴۸). در حال حاضر نیز مسکو برای کشورهای این منطقه حق استقلال قائل نیست و مفهوم «خارج نزدیک» در اسناد استراتژیک این کشور گویای این مطلب است که روس‌ها فقط ساختارها و ترتیباتی را می‌پذیرند که محور آن روسیه باشد و مشارکت ایران در منطقه باید در سطح محدود قرار بگیرد. ایران هم تلاش می‌کند با احیای نفوذ سنتی خود در این منطقه با استفاده از اشتراکات عمیق فرهنگی، مذهبی و تاریخی در برقراری روابط با جمعیت‌های مسلمان منطقه در تداوم هدف معرفی ایران به عنوان پل ارتباط آسیای مرکزی و قفقاز به آب‌های آزاد، از تقویت شکل بندهای سیاسی-امنیتی در جهت مخالفت با ایران جلوگیری کند. به هر حال دیدگاه متفاوت ایران و روسیه به جمهوری‌های مسلمان نشین در آسیای مرکزی و قفقاز از گذشته تاکنون بر روابط دو کشور تاثیر منفی گذاشته است. این سیاست‌ها و نقش کلیدی آن در ورود بازیگران فرامنطقه‌ای برای استخراج و صدور منابع نفت و گاز حوزه خزر، موجب می‌گردد تا روابط دو کشور در حوزه استراتژی انرژی (نفت و گاز) شفاف نباشد.

## ۲-۲- بنیاد گرایی اسلامی و نگرانی روسیه

روسیه که از مجموع جمعیت ۱۴۳ میلیون نفری خود حدود ۲۵ میلیون نفر مسلمان دارد، در صورت رفتار نامناسب با مسلمانان خود در قلمروهای مسلمان نشین قفقاز و ناحیه ولگا، از گسترش اسلام افراطی نظیر آنچه که در بین چین‌ها رواج دارد در امان نخواهد بود (امیر احمدیان، ۱۳۸۵: ۲۲). از طرفی روسیه در سال‌های پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ از تحلیل گران جنگ تبلیغاتی آمریکا علیه اسلام و مسلمانان شنیده‌اند که «تروریسم همان اسلام است و مسلمانان حامیان، عاملان و مروجان اصلی تروریسم جهان هستند» (Leventhal, p. 2004). این ذهنیت روس‌ها خود موجب می‌شود حتی روس‌های غربگرا، اسلام‌گرایی را یک تفکر توسعه طلب بدانند که به دنبال ساقط نمودن رژیم‌های میانه رو و سکولار آسیای مرکزی و قفقاز هستند که در نهایت به ثبات سیاسی روسیه لطمه خواهند زد. این نگرش روس‌ها در کنار تلاش آمریکا برای خطر به اصطلاح «اسلام انقلابی» به مرکزیت جمهوری اسلامی ایران

به منظور حفظ و استمرار منافع خود در منطقه (اخباری و ایازی، ۱۳۸۷: ۴۷) حساسیت مقامات امنیتی حوزه آسیای مرکزی، قفقاز و روسیه را به دلیل تاثیراتش بر برخی جنبش‌های تندرو منطقه، بیشتر نموده است. بی شک ادامه این حساسیت‌ها، به ایالات متحده و حامیان غربی آن، این امکان را می‌دهد که با تسلط بر منابع و مسیرهای انتقال انرژی منطقه و استمرار جریان سالم، مطمئن و ارزان انرژی بر دو بازیگر اصلی منطقه یعنی ایران و روسیه نیز کنترل پیدا نمایند. از اینرو این مسائل بر عدم اتحاد استراتژی انرژی ایران و روسیه تاثیر منفی می‌گذارد.

### ۳-۲- اختلافات قومی و نژادی

آسیای مرکزی و قفقاز، منطقه‌ی بی‌ثباتی‌ها و آشوب‌های تقریباً ناگفته است و از آن به عنوان «قوس جنوبی بی‌ثباتی» نام برده می‌شود. این عدم انطباق مرزها با تقسیمات قومی و نژادی در سال‌های قبل از فروپاشی شوروی موجب معضلات امنیتی این کشورها پس از استقلال شده است. منطقه‌ای که گرفتار میراث تقسیم بندی قومی-سرزمین بر جای مانده از دوره استالین و نظام کمونیستی گردیده بود (Miller, 1997: p. 4)، در سال‌های اخیر به یکباره دچار بحران شد. جنگ‌های داخلی تاجیکستان، بحران آبخازیا، بحران ناگورنوقره باغ، بحران چچن و سرازیر شدن پناهندگان به اینگوش و داغستان در روسیه، جنگ اوستیا بین روسیه و گرجستان که همه آن‌ها بیانگر عدم ثبات ذاتی منطقه می‌باشد.

این تقسیم بندی نفاق افکنانه دولت شوروی سابق موجب گردید که ارتباطات قومی- نژادی تاثیرات قابل ملاحظه‌ای روی امنیت کشورهای منطقه داشته باشد. خطر مناقشه الحاق گرای، که میراث به جا مانده از دوران حکومت شوروی سابق است، می‌تواند میان ازبکستان و تاجیکستان و نیز میان ازبکستان و قرقیزستان درگیرهایی را سبب شود (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۹۷). در آذربایجان نیز ارامنه، کردها، طالبی‌ها، آوارها، تات‌ها و لرگی‌ها از جمله اقوامی هستند که خواستار آزادی و حقوق اجتماعی بیشتر برای خود هستند (یزدانی- و تویسرکانی، ۱۳۸۷: ۱۴۷) در این راستا برخی از این بحران‌ها جنبه بین‌المللی پیدا می‌کند مانند بحران اوستیا که در سال ۲۰۰۸ منجر به جنگ بین گرجستان و روسیه گردید. روسیه با استفاده از سیاست قدرت و تداوم سلطه بر مناطق پیرامونی چهره واقعی خود را به غرب نشان داد، تا از زیاده خواهی‌های غرب در منطقه جلوگیری کند (کوزه گرکالجی، ۱۳۸۷: ۱۰۷). بدیهی است که این نوع بی‌ثباتی در منطقه مانع از شکل‌گیری فعالیت‌های اقتصادی و همچنین احداث خطوط لوله انتقال نفت و گاز منطبق بر منافع کشورهای منطقه است. از طرفی این وضعیت با بازشدن پای بازیگران فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا که درصدد توسعه نفوذ و روابط سیاسی اقتصادی فرهنگی خود در منطقه هستند، بر بحران‌های آسیای مرکزی و قفقاز دامن می‌زند. در این صورت این بحران‌ها می‌تواند روابط ایران و روسیه را نیز در زمینه استراتژی انرژی مشترک تحت تاثیر قرار داده و آن را به چالش بکشد.

### ۴-۲- نبود اتصالات جاده‌ای و ریلی

در یک سیستم کلان جهانی، کشورها نیاز به ارتباط دارند. اگر این سیستم بسته باشد داد و ستد انرژی کاهش می‌یابد، ولی اگر سیستم باز باشد در آن صورت با توانمندی بالا با سایر کشورها و مناطق اطراف خود ارتباط پیدا کرده و به حیات پر قدرت خود ادامه می‌دهند (Cohen, 1994: p. 24). این نظریه از «سائل کوهن» بخش مهمی از

هارتلند اوراسیایی وی است که نظریه ژئوپلیتیکی میکیندر را توجیه می‌کند. بر اساس این دیدگاه، کشورهای این منطقه در صورت عدم دسترسی به ارتباط در جهان پیرامونی خود، به کانون‌های بحران مبدل می‌گردند. اگر این کشورها بتوانند در مناطق ریملند مانند ایران با گسترش حمل و نقل، ارتباطات، اقتصاد، تجارت و فن آوری اطلاعات ارتباط برقرار نمایند، می‌توانند بصورت سیستم باز عمل کرده و از بحران احتمالی نجات پیدا کنند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۰۸). از این رو نیاز به احداث پایانه‌های حمل و نقل بین منطقه‌ای برای کشورهای آسیای مرکزی، آسیا و اروپا و نیز بین دول حاشیه خزر بخاطر انتقال منابع نفت و گاز، در تدوین گزینه‌های مختلف حمل و نقل از چالش‌های بزرگ منطقه خواهد بود.

در این میان روسیه نیز با هدف دسترسی به آب‌های گرم خلیج فارس تا قبل از فروپاشی اتحاد شوروی با استفاده از حمل و نقل بین‌المللی ریلی بین کشورهای اسکاندیناوی و منطقه خلیج فارس از طریق خاک اتحاد شوروی و ایران از مسیر مورمانسک-لنینگراد-مسکو-خارکوف-راستوف-توایسه-نخجوان-جلفا-تهران و ترکیه به بنادر ایرانی خلیج فارس متصل تفکر می‌کرد. پس از فروپاشی شوروی و شروع درگیری در بخش‌هایی از این مسیر مانند قره باغ، چین و آبخازیا عملاً بهره‌برداری از این مسیر در استراتژی روسیه از بین رفت (زون، ۱۳۸۵: ۱۷۳). اما امروزه در راستای برنامه کریدور شمال - جنوب و وصل شدن راه آهن زاهدان به کرمان که اروپا و روسیه را به شبه قاره هند متصل می‌کند، این برنامه با چالش بزرگی در عرض ریل‌ها مواجه است. عرض ریل در ایران ۱/۴۳۵ متر می‌باشد در صورتی که عرض ریل در نقاط اتصال با جمهوری‌های آسیای مرکزی و قفقاز برای عبور در روسیه ۱/۵۲۰ متر و جالب اینکه در صورت اتصال به شبه قاره هند در کشور پاکستان عرض ریل ۱/۶۷۶ متر می‌باشد. در این صورت تعویض چرخ‌های واگن در ایستگاه‌های مرزی وقت گیر و غیر اقتصادی است. این کشورها باید ساختار ریلی خود را بازسازی کنند و در یک استاندارد جهانی آنرا بسازند (زون، ۱۳۸۵: ۱۸۰-۱۷۵). همچنین بر اساس شناسایی سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح ایران در نقشه سال ۱۳۹۱، ارتباط جاده‌ای ایران با کشورهای آسیای مرکزی از طریق کشور ترکمنستان با ایران در سه نقطه تجن با سرخس، عشق آباد با باجیگران و قوم داغ با قزل اترک و در آسیای مرکزی از طریق آذربایجان با ایران در نقطه لنکران به آستارا و نخجوان به جلفا و پلدشت محدود است که کل این جاده‌ها راه دسترسی آسفالته درجه ۲ می‌باشند. این در حالی است که هیچ نوع پروژه دسترسی به آزاد راه و یا حداقل بزرگ راه در آسیای مرکزی، قفقاز، ایران و روسیه برای اتصال و ترانزیت حمل و نقل دیده نمی‌شود (نقشه سیاسی ایران، ۱۳۹۱). به طور کلی عدم دسترسی جاده‌ای و ریلی بین ایران و حوزه آسیای مرکزی و قفقاز که در همسایگی روسیه قرار دارند، حتی در صورت استفاده بنادر روسیه (آستراخان) و ایران (نوشهر و انزلی و آستارا) که تلفیقی از جاده‌ای، ریلی، رودخانه‌ای و دریایی است، فن آوری بکارگیری از چنین شبکه‌ای که بتواند ارتباط بین ایران و روسیه و در نهایت آتالاتیک و اروپا را به شبه قاره هند وصل کند، در کشورهای دو حوزه آسیای مرکزی و قفقاز دیده نمی‌شود. همچنان که طبق مشاهده‌های میدانی از محقق پروژه ریلی قزوین-رشت و بندر انزلی که در ایران نزدیک به یک دهه از شروع آن می‌گذرد هنوز حداقل به ۵ سال دیگر برای اتمام پروژه آن وقت نیاز است. به این ترتیب ایران و روسیه به دلیل عدم برخورداری از تکنولوژی‌های نوین و سرمایه گذاری مشترک در این حوزه، فرصت‌های موجود در ترانزیت و حمل و نقل کالا، مسافر و انرژی و دستیابی به بازارهای رقابتی را در قرن ۲۱ از

دست خواهند داد. از این رو نبود سرمایه گذاری مشترک در بخش‌های مختلف و انتقال انرژی بین ایران و روسیه، از موانع عمده موجود در سطح روابط دو جانبه است.

### ۳- دیدگاه متفاوت استراتژی انرژی ایران و روسیه

مسئله پیچیده و کلیدی در ارتباط با استراتژی نفت و گاز ایران و روسیه بحث استخراج، پالایش و انتقال منابع انرژی حوزه خزر به بازارهای بزرگ مصرف یعنی اروپا، آمریکا، چین، هند و ژاپن است. در این میان روسیه همچنان خواهان حفظ نفوذ و کنترل خطوط انتقال انرژی منطقه از سمت شمال است. در حالی که ایران با طرح سوآپ و احداث خط لوله جدید در شمال کشور، نفت و گاز تولیدی کشورهای حوزه خزر را در مناطق شمالی خود استفاده می‌کند و معادل آن را در مناطق مرزی دیگر و یا در بنادر خلیج فارس تحویل می‌دهد. از طرفی این نوع رفتار یک جانبه آن‌ها در ترانزیت انرژی حوزه خزر، سرمایه گذاری مشترک آن‌ها را در حوزه نفت و گاز محدود می‌سازد. بدین ترتیب موانع موجود می‌تواند بر سطح روابط دو جانبه ایران و روسیه بر پایه استراتژی انرژی مشترک تاثیرگذار باشد. لذا در اینجا بررسی هر یک از موانع کشورهای ذکر شده در سطح ملی ضروری به نظر می‌رسد.

#### ۳-۱- مخالفت روسیه با انتقال انرژی حوزه خزر از راه ایران به اروپا

منطقه دریای کاسپین دارای ذخایر نفت و گاز اثبات شده‌ای معادل ۶۵ تا ۷۵ میلیارد بشکه نفت خام می‌باشد. این منطقه پس از فروپاشی شوروی به علت افزایش روزافزون تقاضای جهانی انرژی، اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک زیادی پیدا کرده است. به گونه‌ای که در سال ۲۰۰۲، ۳/۵ درصد عرضه جهانی نفت و ۶ درصد عرضه جهانی گاز را به خود اختصاص می‌داد. انتقال منابع یاد شده به بازارهای جهانی و تسلط بر مسیرهای صدور انرژی منجر به رقابت قدرت‌های فرامنطقه‌ای (آمریکا، اتحادیه اروپا و چین) و منطقه‌ای (ترکیه و اسرائیل) و نیز بازیگران سنتی منطقه یعنی ایران و روسیه شده است (سلیمانی و غفاری، ۱۳۸۷: ۹۳). اگر سیاست خارجی این کشورها بر مبنای امنیت انرژی شکل بگیرد، عرضه انرژی و ژئوپلیتیک آن حائز اهمیت خواهد بود، در این راستا کشورهایی که خط لوله دارند امنیت نیز خواهند داشت چرا که اگر کشوری بخواهد به آن حمله کند تصمیم‌گیری کشورهای دیگر اثر گذار خواهد بود (ملکی، ۱۳۸۷: ۸۵). اما ایران دارای موقعیت ژئوپلیتیک منحصر به فردی است که نیازی به عبور لوله‌های نفت و گازش از سایر کشورها ندارد و صادرات آن از طریق خلیج فارس میسر می‌شود.

در سال ۲۰۰۸ بحث احداث خط لوله‌ای برای انتقال نفت قزاقستان به ایران در حدود ۵۰۰ هزار بشکه در روز به همراه گزینه دیگر احداث خط لوله از قزاقستان و ترکمنستان به ایران و از آنجا به دریای عمان و جا به جایی یک میلیون بشکه نفت از طریق ایران، اهمیت زیادی برای ارتقای نقش ایران در اوپک داشت. همچنین در خصوص صادرات گاز کشورهای حوزه خزر به ویژه ترکمنستان به شیوه سوآپ و استفاده آن به منظور مصارف داخلی و تزریق به چاه‌های نفت ایران و تحویل همان مقدار گاز به مشتریان گاز ترکمنستان در مرزهای ایران، تصمیماتی گرفته شده بود (قریان، ۱۳۸۷: ۶۷). بر این اساس با اتمام پروژه خط لوله گاز ۱۴۰ کیلومتری ایران به ارمنستان در سال ۲۰۰۹ که ۴۰ کیلومتر آن در خاک ارمنستان می‌باشد، روزانه ۱۰ میلیون متر مکعب گاز با تعهد سالانه ایران، مقدار یک میلیارد و یکصد میلیون متر مکعب، گاز به ارمنستان صادر خواهد شد (شبکه خبر، ۱۳۸۸). همچنین ایران در

راستای سرمایه‌گذاری در بخش انرژی، از اهمیت نفت و گاز خزر نزد اروپاییان آگاه می‌باشد، زیرا حوزه خزر بیش از خلیج فارس برای آن‌ها اهمیت دارد، چرا که بیرون از تنگه هرمز قرار دارد و اروپا روی آن حساب باز کرده است. از طرفی با پیشنهاد روسیه برای انتقال انرژی حوزه خزر به اروپا نیز به علت غیرقابل اعتماد بودن روسیه و وابستگی به آن کشور مخالفت می‌کنند (ملکی، ۱۳۸۷: ۸۶). از این رو ایران سعی دارد یکی از گزینه‌های غیر روسی انتقال انرژی حوزه خزر از طریق ارمنستان به اروپا باشد. زیرا اروپاییان در پی رقابت روسیه با اروپا، برای انتقال انرژیهای فسیلی آسیای مرکزی و حوزه خزر به اروپا، راهی جایگزین و متنوع غیر از روسیه را مدنظر دارند که امروزه فرصت خوبی برای سرمایه‌گذاری ایران در انتقال انرژی مورد نظر اروپا از طریق ارمنستان یا ترانزیت گاز ترکمنستان به ترکیه و اروپا و همچنین ایجاد بستر انتقال انرژی بر اساس راه «KTI» یعنی قزاقستان- ترکمنستان به ایران می‌باشد. روس‌ها از حدود ۵ سال قبل بر اساس دیدگاه حافظ نیا در آن سال برای مقابله با چنین طرح‌هایی به خصوص خط آسیای مرکزی، ایران، ترکیه و اروپا حاضرند حتی با انتقال انرژی منطقه از طریق ایران بر خلاف دیدگاه آمریکا و با همه مشکلات فرارو در خط لوله «ایران- پاکستان- هند» مشارکت و یا سرمایه‌گذاری مستقیم کنند (حافظ نیا، ۱۳۸۷: ۱۰۴). چون هر چقدر انرژی منطقه به سمت شرق برود، دست روس‌ها در انحصار انرژی اروپا بازتر می‌شود. از طرفی این امکان وجود دارد که پیشنهاد عضویت نظارتی ایران در پیمان شانگهای توسط روسیه و چین در جهت نزدیکی ایران به منطقه، و برای مقابله با اروپا و آمریکا در این راستا باشد. بنابراین مخالفت روس‌ها در انتقال انرژی حوزه خزر از راه ایران به اروپا به نوعی در سرمایه‌گذاری و استراتژی مشترک آن‌ها در بخش نفت و گاز، تأثر منفی می‌گذارد.

#### ۲-۳ - عدم سرمایه‌گذاری مشترک و متناسب در بخش نفت و گاز ایران و روسیه

ایران و روسیه تنها کشورهایی هستند که متعلق به دو منطقه از ۴ منطقه تولیدکننده نفت خام و گاز می‌باشند (ملکی، ۱۳۸۶: ۲۱۹). ایران با قرار گرفتن میان دریای خزر و خلیج فارس، اقتصادی‌ترین راه برای صدور منابع هیدروکربنی همسایگان شمالی جدید خود یعنی قزاقستان، آذربایجان و ترکمنستان است. در جنوب این کشور طولانی‌ترین خط ساحلی را در طول خلیج فارس دارد و بر نیمی از آب‌هایی که به بازارهای جهانی دسترسی دارند کنترل دارد. پس موقعیت ایران به عنوان تنها قلمرو جغرافیایی که با قرار گرفتن در دو منطقه نفت و گاز جهان با توجه به نقش بزرگ آن در توسعه این کشورها، می‌تواند قابل تأمل باشد. روسیه هم با داشتن ذخایر بزرگ منابع انرژی و جایگاه صنعت سنگین آن برای توسعه انرژی، به صورت یک دولت انرژی بزرگ است که نقش برجسته‌ای را در عرصه انرژی جهانی بازی می‌کند. اما واقعیت این است که روسیه با داشتن جایگاه خوب و توانایی زیاد و همچنین داشتن چندین شرکت بزرگ نفت و گاز (در حد و اندازه شرکت‌های چند ملیتی غربی) از جمله گاز پرم، ترانس نفت و لوک اویل به گفته ابراهیمی هنوز برنامه‌ها و یا طرح‌های مناسبی با ایران ندارد که بتوانند به عنوان مکمل یکدیگر اقدامات و فعالیت‌های مفید و ثمر ثمری در زمینه تجارت جهانی انرژی داشته باشند (ابراهیمی، ۱۳۸۳: ۲۳۱) این دو کشور طی سال‌های گذشته به ویژه روسیه، همواره به چشم رقیب به یکدیگر نگاه می‌کردند. ایران در اجرای طرح‌های انرژی منطقه به رقابت با روسیه می‌پرداخت. همان گونه که پیشتر اشاره شد روسیه نیز برای جلوگیری از ورود رقیب جدید

خود برای تامین نفت و گاز اروپا که در فکر متنوع ساختن مبادی تامین انرژی خود از راه‌های غیر روسی هستند، سعی در کنترل رقیب سرسخت خود یعنی ایران است.

شرکت‌های روس تحت نفوذ روسیه و در جهت منافع آن کشور همواره در طرح‌های بزرگ انرژی ایران با وسواس عمل می‌کنند، مثلاً در یک تحقیق از حسن تاش، وی می‌گوید شرکت گاز پروم در مقطعی در رابطه با توسعه فازهای مختلف پارس جنوبی اشتیاق از خود نشان می‌داد اما در عمل چندان جدی برخورد نمی‌کرد تا جایی که این شبهه بوجود آمد که روس‌ها در پی کارشکنی در توسعه ذخایر گازی رقیب خود هستند (حسن تاش، ۱۳۸۵: ۲۱۹). بنابراین نبود یک سرمایه‌گذاری مشترک و مناسب به علت رقابت ایران و روسیه در حوزه ژئوپلیتیک انرژی منطقه، و نیز ملاحظات سیاسی و امنیتی آن‌ها در عرضه و انتقال انرژی می‌تواند بر سطح روابط دو جانبه ایران و روسیه در زمینه استراتژی انرژی مشترک تاثیر گذاشته و آن را به چالش بکشد.

### - تجزیه و تحلیل

پس از جنگ سرد قلمروهای ژئواستراتژیک در پی فروپاشی شوروی (سابق) در هم فرو رفت. پیامد این فرورفتگی، تغییر مناطق ژئواستراتژیک به مناطق ژئوآکونومیک و تولید صلح جهانی بود. با این حال میدان معامله قطب‌های قدرت در قرن بیست و یک، صحنه اوراسیا است. زیرا از شواهد به نظر می‌رسد در بخش جنوب غرب این جزیره جهانی و نیز روسیه ذخایر انرژی (نفت و گاز) فراوانی نهفته است. دسترسی ارزان و تسلط بر انتقال انرژی این حوزه‌ها در استراتژی انرژی کشورهای صنعتی و غرب موجب جدال این کشورها در سطح جهانی گردیده است. در این صحنه عملیاتی جدید، ایران نقش حلقه اتصال دو مثلث چین، روسیه، ایران و یا اروپا، ایالات متحده و ایران را دارد. هر کدام از دو طرف که بتوانند ایران را در دست بگیرند، در واقع توانسته‌اند بر اوراسیا حاکم گردند. از این منظر، به دلیل اینکه تمام تحولات جهان غرب تا امروز مستقیماً روی قیمت نفت تاثیر گذاشته، به نظر می‌رسد این روند در آینده هم ادامه پیدا خواهد کرد. پس ایران به احتمال زیاد به سمت غرب سوق خواهد یافت. در نتیجه در سطح جهانی، این احتمال که ایران با روسیه بتوانند استراتژی انرژی مشترکی داشته باشند، محقق نخواهد شد. در سطح منطقه‌ای به دلیل ریشه‌های فرهنگی متفاوت ایران و روسیه و سیاست‌های منطقه‌ای دو کشور در حوزه آسیای مرکزی و قفقاز تا قبل از فروپاشی شوروی (سابق) و همچنین سیاست‌های اخیر آن‌ها در این حوزه از جمله دیدگاه‌های متفاوت آن‌ها نسبت به جمهوری‌های مسلمان نشین، بنیادگرایی اسلامی، اختلافات قومی و نژادی در کنار نبود اتصالات جاده‌ای و ریلی مناسب، در استراتژی انرژی مشترک آن‌ها تاثیر منفی خواهد گذاشت. همچنین در سطح ملی، این دو کشور دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به استراتژی انرژی یکدیگر دارند. مخالف روسیه با انتقال انرژی حوزه خزر از راه ایران به اروپا و یا عدم سرمایه‌گذاری مناسب دو کشور در حوزه نفت و گاز به ویژه از سوی روسیه که دارای شرکت‌های بزرگ نفت و گاز می‌باشد، از موانع اصلی استراتژی مشترک انرژی آن‌ها در این زمینه می‌باشد. از اینرو پس از بررسی موضوع در سه سطح جهانی، منطقه‌ای و ملی، فرضیه این پژوهش تأیید می‌گردد. بر این اساس می‌توان گفت ایران و روسیه نمی‌توانند استراتژی مشترک انرژی در زمینه نفت و گاز داشته باشند.

### - نتیجه گیری

ایران و روسیه با در اختیار داشتن ۷۰ درصد گاز طبیعی دنیا و قرار گرفتن ایران در حد فاصل دو منبع اصلی انرژی یعنی نفت و گاز دریای خزر و خلیج فارس، اهمیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیکی منطقه را دو چندان کرده است. در این راستا اکتشاف و استخراج منابع انرژی در حوزه خزر و نیاز به انتقال و فروش آن در بازارهای اروپا، آمریکا، چین و ژاپن نتایج و تبعات سیاسی متعددی از جمله نفوذ قدرت‌های فرامنطقه‌ای مانند ایالات متحده آمریکا، اتحادیه اروپا، چین و نیز سایر بازیگران را به دنبال می‌آورد. علاوه بر این جدال دو دیدگاه فرهنگ و تاریخ مشترک ایرانی در حوزه حیات خلوت با مفهوم امنیتی خارج نزدیک روسیه در آسیای مرکزی و قفقاز، به همراه نگرانی روسیه از بنیاد گرایی اسلامی، ترس از اختلافات قومی‌نژادی در کنار نبود اتصالات جاده‌ای و ریلی از جمله چالش‌های منطقه‌ای می‌باشند که در سطح روابط دو جانبه ایران و روسیه تاثیر می‌گذارد. عوامل مزبور را می‌توان تحت عنوان موانع تاثیر گذار در استراتژی انرژی دو کشور در بخش نفت و گاز دسته بندی نمود که می‌تواند تاثیر مستقیم در انتقال انرژی حوزه خزر به بازارهای مصرف از جمله اروپا داشته باشد که مخالفت روسیه با انتقال انرژی از راه‌های غیر روسی و ایرانی را به دنبال می‌آورد. از طرفی به علت رقابت در کنترل بازارهای مصرف انرژی بین ایران و روسیه، تاکنون طرفین در یک سرمایه گذاری مشترک و تاثیر گذار که مناسب با جایگاه آن‌ها در انرژی جهان باشد شرکت ندارند. لیکن با توجه به شواهد مذکور و دیدگاه متفاوت دو کشور از استراتژی انرژی که تابعی از متغیرهای سیاسی- امنیتی آن‌ها در جهان با ذهنیت‌های مختلف می‌باشد، روابط ایران و روسیه بر پایه استراتژی انرژی (نفت و گاز) با موانع‌های متعددی روبه رو است. بنابراین تهدیدات ژئوپلیتیکی ذکر شده بر اتحاد استراتژی انرژی ایران و روسیه در زمینه نفت و گاز تاثیر منفی می‌گذارد.

### - منابع

- ابراهیمی، محمد (۱۳۸۳). «استراتژی انرژی روسیه، ظرفیت‌ها و اقدامات»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴۷. اخباری، محمد و سید محمد هادی ایازی (۱۳۸۷). «وضعیت خاورمیانه در ساختار ژئوپلیتیکی هزاره سوم»، فصلنامه ژئوپلیتیک، نشر سازمان جغرافیایی، شماره ۴.
- اسکلیاروف، لئونید (۱۳۷۴). «روابط استراتژیک ایران و روسیه»، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۱۲.
- امامی، محمد علی (۱۳۸۲). «عوامل تاثیرگذاری خارجی در خلیج فارس»، انتشارات وزارت امور خارجه، تهران.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۵). «همکاری روسیه و سازمان کنفرانس اسلامی، ایراس»، «موسسه فرهنگی مطالعات روسیه، آسیای مرکزی و قفقاز»، شماره ۱۱، تهران.
- امیر احمدیان، بهرام (۱۳۸۷). «بحران گرجستان: طرف‌های دیگر، علت‌ها و پیامدها»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۵۴ و ۲۵۳.
- حافظ نیا، محمد رضا و دیگران (۱۳۸۷). «علائق ژئوپلیتیکی ایران در آسیای مرکزی و فرصت‌های پیش رو»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۴.
- حسن تاش، سید غلامحسین (۱۳۸۳). «تقاضای گاز اروپا نقش ترکیه و فرصت‌های ایران»، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۲۳ و ۲۲۴.

زون، ایگور(۱۳۸۵). «خزر، توهمات و واقعیات»، ترجمه علی شمس فولادی، جلد اول و دوم، وزرات نیرو، «مرکز ملی مطالعات و تحقیقات دریای خزر»، تهران.

سلیمانی، امین... و مسعود غفاری(۱۳۸۷). «تاثیر منابع نفت و گاز منطقه دریای خزر بر اقتصاد سیاسی ایران»، کتاب همایش بین المللی صد سال نفت در ایران، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران.

سیمبر، رضا(۱۳۸۵). «جایگاه ایران در تحولات ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، نشر دانشگاه فردوسی، شماره ۶، مشهد.

عزتی، عزت الله (۱۳۷۹). ژئوپلیتیک، نشر سمت، تهران.

عزتی، عزت الله (۱۳۸۷). ژئواستراتژی و قرن بیست و یکم، نشر سمت، تهران.

قربان، نرسی(۱۳۸۷). «خطوط لوله نفت و گاز بین ایران و مناطق دیگر جهان و نقش آن‌ها در تامین امنیت بیشتر کشور»، کتاب همایش بین المللی صد سال نفت در ایران، انتشارات موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، تهران.

کاوایی راد، مراد و هادی ویسی(۱۳۸۴). «انتقال گاز ایران به جنوب و جنوب شرق آسیا (فرصت و تهدیدها)»، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، نشر سازمان جغرافیایی، تهران.

کمپ، جفری و رابرت هارکاوای(۱۳۸۳). «جغرافیای استراتژیک خاورمیانه»، ترجمه سید مهدی حسینی متین، جلد اول، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.

کوزه گر کالجی، ولی (۱۳۸۷). «نگاهی به بحران اوستیای جنوبی و هجوم روسیه به گرجستان»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۳ و ۲۵۴.

ملکی، عباسی(۱۳۸۶). «امنیت انرژی و درس‌هایی برای ایران، فصلنامه راهبرد یاس»، نشر موسسه فرهنگی هنری یای، شماره ۱۲.

نقشه سیاسی ایران (۱۳۹۱). سازمان جغرافیای نیروهای مسلح.

یزدانی، عنایت ا. و دیگران (۱۳۸۷). «تبیین ژئوپلیتیکی رقابت قدرت، مطالعه موردی: اوراسیای مرکزی در بازار بزرگ جدید»، فصلنامه ژئوپلیتیک، شماره ۴.

یزدانی، عنایت... و مجتبی تویسرکانی (۱۳۸۷). «جنگ سرد دوم در هارتلند تازه: ژئواستراتژی قدرت‌ها و در پهنه ژئوپلیتیک خزر - خلیج فارس»، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۵۵ و ۲۵۶.

Cohen, Saul. B(1994), Geopolitics in the New World Era, Recording the world, edited by G. J. Demko and W. B wood, Westview press, U. S. A.

Levenhjal, D. (2004), who is terrorist in u. s media discourse, www. socialscience. com.

Mccormick, John (2007), the European superpower, palgnare, New York.

Menon, pajan (2003). The New Grant Game in Central Asia, survival vol. 45, no. 20.

Miller, Eric (1997), "and the walls come tumbling Down: central Asia and security, past, present, and future", 13<sup>th</sup> Annual Graduate students Symposium, University of Virginia, Charlottesville, WA, April 4-5.

Morcille Julien and Jones Alun (2009) , practicing Radical Geopolitics: Logics of power and the Iranian Nuclear Crisis, school of Geography, planning and Environmental policy, University college Dublin, published by taylor & Francis, LLC, July, pp. 857- 860.

Nichol Jim (2011), central Asia: Regional Developments and Implications for U. S. Interests, CRS report for congress, October 12, p. 48.

Radyuhin, Vladimer, A New Big game in Central Asia, CDI Russian Weekly, July 18, 2008. <http://www. cdi. org/russia/268-12cfm>.

<http://www. shana. ir>

BP statistical Review of wold Energy, 2012

<http://www. geopolitic-azad , bologFa. com/post-12. aspX>.